

**کاهش دستمزد کارگران  
بنا دیده گرفتن تورم ۱۴۰۰**

حاتم شاکر می،  
معاون سابق روابط کار و وزارت تعاون



این روزها بسیاری از نمایندگان در مورد دستمزد کارگران اظهار نظر می کنند. باید گفت نماینده یا نمایندگان که افزایش دستمزد کارگران را از پیش ۱۰ درصد اعلام می کنند، باید توجه داشته باشند که نظام ساختاری تعیین دستمزد کارگران را قانون مشخص کرده و آنها باید اجازه دهند که فرایندهای قانونی آن در مرجع مربوطه طی شود.

گاهی می بینیم که افرادی که از لحاظ قانونی در حوزه تعیین دستمزد مسئولیتی ندارند، بدون اینکه توجه داشته باشند که شورای عالی کار مسئول تعیین دستمزد است، در مورد آن اظهار نظر می کنند. این حق کارگر، کارفرما و دولت است که برای تعیین دستمزد نظر و پیشنهاد کارشناسی داشته باشند. لذا باید این مسئولیت را به آنها سپرد. شورای عالی کار هم باید مطابق مسئولیت خود و در چارچوب قانون به همین مسأله رسیدگی کند. یکی از وظایف شورای عالی کار حمایت از معیشت کارگران است. هر یک از گروه های کارگری، کارفرمایان و دولت هم باید بحث های خود در مورد دستمزد را در شورای عالی کار مطرح کنند.

اینکه کسانی از بیرون شورای عالی کار اظهار نظر کنند، یک نوع دخالت در مأموریت ها و وظایف اعضای شورای عالی کار خواهد بود. شورای عالی کار به عنوان یک مرجع رسمی جای گفت و گو و بحث در زمینه تعیین حداقل مزد، تدوین یا تصویب بعضی از آیین نامه ها، تصویب اصلاح ساختار واحدهای تولیدی و تصویب کننده دستورالعمل های طرح طبقه بندی مشاغل واحدهای مشمول قانون کار است که هم توسط قوانین داخلی و هم توسط مراجع بین المللی به رسمیت شناخته شده است. لذا باید اجازه دهند گروه های کارگر و کارفرما و دولت دستمزد سال آینده را بر اساس شاخص های مشخص در قانون تعیین کنند.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که اگر بدون در نظر گرفتن تورم ۱۴۰۰ دستمزد را تعیین یا دستمزدی را پایین تر از آن تعیین کنند، به جای افزایش حداقل دستمزد، کاهش یا عدم افزایش آن را در پیش گرفته اند. در بحث معیشت کارگران و تعیین دستمزد سال های قبل باید توجه داشته باشیم که هم دولت و هم کارفرمایان همراهی کردند تا نسبتی بین عدالت و افزایش دستمزد برقرار و رعایت شود. لذا در تعیین دستمزد سال ۱۴۰۱ انتظار می رود که شاهد همراهی دولت و گروه کارفرمایان با گروه کارگری باشیم. این همراهی هم باید با در نظر گرفتن تورم سال ۱۴۰۰ صورت گیرد. لذا انتظار می رود که کارفرمایان بیش از سال های قبل گروه کارگری را در این زمینه همراهی کنند. خوشبختانه گروه کارفرمایان هم فهمیم و دارای اشراف به شرایط سخت معیشت کارگران است. با توجه به اینکه به انتهای سال نزدیک شده ایم، بر اساس روال همه ساله، یقیناً در این ماه ها کمیته های تخصصی این موضوع، کار خود را آغاز کرده اند. در این زمان باید شاهد برگزاری گفت و گوهای بیشتری در صداوسیما در این زمینه باشیم. لذا لازم می دانم که سهم نقش رسانه ملی در انعکاس اهمیت موضوع را یادآوری کنم. متأسفانه رسانه ملی نسبت به سال های گذشته، به بحث معیشت و حداقل دستمزد کارگران کمتر می پردازد. نمی دانم چه اتفاقی افتاده که در این زمینه سکوت اختیار کرده است. رسانه ملی هر ساله در آستانه تعیین دستمزد میزان گروه های کارگری، کارفرمایان و دولت زیاد بود. به انعکاس دیدگاه های آنها می پرداخت اما نمی دانم چرا الان به بحث دستمزد کارگران پرداخته نمی شود.

به هر حال انتظار می رود صداوسیما به عنوان رسانه ملی در این مهم تغییر سیاست بدهد و کمک کند تا عدالت در بحث معیشت محقق شود. صداوسیما باید به گونه ای حرکت کند که باب گفت و گو در این مهم بسته نشود. نباید از نظر دور داشت که تعیین حداقل دستمزد برای کارگران یک موضوع اساسی مرتبط با معیشت و زندگی آنها است. شورای عالی کار باید با توجه به وظایف حمایتی از معیشت کارگران یا ایجاد هماهنگی بین کارگر و کارفرما حداقل مزایای گروه های تعیین کند که هزینه معیشت یک خانوار ۳.۳ نفری را تأمین کند. به هر حال، شورای عالی کار باید بتواند یک دستمزد عادلانه را برای کارگران تعیین کند. این یک وظیفه «حالتی» است که قانون مسئولیت آن را به شورای عالی کار واگذار کرده است.

**مسأله خصولتی ها، پاداش های میلیاردی و رانتی است؛ نه گرانی مرغ و تخم مرغ**

**چند یارانه برای «خواص» و فقط یک یارانه برای «عوام»!**



پیام عابدی

می رسانند. روی هم رفته ۳ تا ۴ حلقه اصلی در این بین وجود دارند که بعضی مواقع به ۲ تا ۵ حلقه هم کاهش و افزایش می یابند. در این بین، دولت گذشته از ابتدای روی کار آمدنش، بحث به بازار سپردن قیمت ها را مطرح کرد و خیلی تأکید داشت که باید همه قیمت ها را به ساز و کار بازار سپرد. در ۴ سال گذشته هم با همین ذهنیت به جای مشخص کردن ساز و کارها و تعیین خط مشی، همه چیز را رها کردند و حتی دولت و شرکت های خصولتی وابسته تلاش کردند که قیمت ها را بالاتر ببرند. در این راه کاهش بهره را پشتوانه کار خود کردند. این امر موجب شد که سرمایه ها به سمت کامودیتی ها، سهام، مسکن و... حرکت کردند. آنچه در ۴ سال گذشته اتفاق افتاد، این بود که بانک مرکزی، دولت و خصولتی ها، هر چه توانستند آتش تورم را شعله ورتر کردند و دولت به مداخله کننده اصلی در افزایش قیمت ها تبدیل شد، در حالی که مدعی بود که قیمت را به بازار می سپارم. در چنین فضایی، قیمت ارز را به صورت مداخله ای بالا بردند و نرخ غیر واقعی آن را مبنای قیمت گذاری قرار دادند. با این تفکر هر چه و مرجح حاکم شد و با مداخله بیشتر، کالاها را ارزان تر و گران تر کردند. جالب اینجاست که همین جریان های وابسته به دولت گذشته و خصولتی ها خود به نقد افزایش قیمت دلار پرداختند اما توأم با آن از مواهبش بهره مند شدند و خود را از آثار تحریم ها رها کردند.

**زمانی که نرخ دلار، بالا می رود، گرانی به صورت زنجیر وار توسعه می یابد و تمام کالاهای داخلی گران شدند. روی همین حساب، باید گفت که دولت و وابستگان آن در چهار سال گذشته از لحاظ برنامه ای، تورم ساز عمل کردند**

**گمرک اعلام کرده که موجودی ۶ قلم کالای اساسی مشمول ارز ترجیحی شامل گندم، ذرت، جو، دانه های روغنی، کنجاله سویا و روغن خیار در بندار و گمرکات کشور بیش از ۴ میلیون تن برآورد شده است. وی گفته بود که موجودی بیش از ۷۴ درصد کالاهای اساسی مشمول ارز ترجیحی، فقط در بندر امام خمینی (ره) دپو شده که متعلق به ۵۰ واردکننده است.**

طبیعتاً زمانی که نرخ یک متغیر کیفی مانند دلار، بالا می رود، گرانی به صورت زنجیر وار توسعه می یابد. در این شرایط تمام کالاهای داخلی گران شدند. روی همین حساب، باید گفت که دولت و وابستگان آن در ۴ سال گذشته از لحاظ برنامه ای، تورم ساز عمل کردند. البته یک عده هم احتکار کردند اما در مقابل عده زیادی با «قا بگیری و بیندیدی» و حرکت های نمایشی، به افزایش گرانی کمک کردند. آن وقت مدعی بودند که بازار باید تصمیم بگیرد؛ کدام بازار؟ هیچ جای دنیا در شرایط جنگ اقتصادی دست در بازار نمی کنند اما در اینجا همه چیز را به هر چه و مرجح سپردیم. در این مدت، دولت و خصولتی ها، عمداً در این کار وارد شدند.

همه اینها برنامهریزی کردند تا کسری بودجه، منافع ذی نفعان و شرکت های ورشکسته، را نجات دهند. حتی زمان ورود به بازار بورس را تنظیم کردند و بازیگر اصلی آن شدند. این حلقه ها را هم خودشان مدیریت کردند. در نتیجه به «باب حلقه ها» تبدیل شدند.

**قیمت کالاهای اساسی در دوران پاندمی کرونا به یک سال بی سابقه ای نسبت به یک سال پیش در جهان رسیده است. از طرفی جهان با بحران تأمین غذا در سطح کشورهای فقیر و کم درآمد روبه روست و بسیاری از کشورها به دلیل تغییرات آب و هوایی قادر به تأمین نیاز خود هستند و سطح صادراتشان بسیار کاهش یافته است. این امر تا چه اندازه بر گرانی های داخلی و دسترسی سخت تر دولت به بازارهای بین المللی و مشکلات معیشتی ناشی از گرانی تر شدن تأمین غذا مؤثر بوده است؟**

در دوران کرونا، سطح مصرف در جهان پایین آمد. شرفاقتصادی کشورها کند شد. مشاغل بسیاری تعطیل شدند و مردم به جای کارخانه به خانه رفتند و از کمک های دولت ها بهره مند شدند. حاصل این پاندمی کاهش جهانی شمار نیروی کار حتی در دوران پس از کنترل همه گیری بود. خیلی ها با برداشته شدن محدودیت ها به سر کار خود بازنگشتند یا در مشاغل خانگی و خویش کار فرمای ادامه فعالیت دادند. در این مدت سیستم حمل و نقل در سطح جهان مختل شد و تعدادی از شرکت های بزرگ هواپیمایی با هزاران نیروی کار ورشکسته شدند. حمل و نقل دریایی هم آسیب های زیادی را متحمل شد. پس از فروکش بحران هم زنجیره عرضه دچار اختلال شد. برای مثال تولیدکننده های «چیپست» یا

مشکل مواجه شدند و نتوانستند نیاز تولید کنندگان بزرگ را تأمین کنند. در این شرایط حوزه غذا و کالاهای اساسی هم متأثر از سایر حوزه ها یا گرانی مواجه شد. طبق آمار سازمان خواروبار و جهانی، قیمت مواد غذایی ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. کالاهای اساسی مانند شکر هم بیش از این میزان گران شدند.

**این مورد تا چه اندازه بر گرانی در داخل مؤثر بوده است؟**

البته این اتفاق هزینه های زیادی را برای کشور ایجاد کرد و به معیشت مردم فشار وارد کرد اما سیاست های ارزی این بحران را تشدید می کند. موضوع مادر داخل، تنها گرانی قند و شکر نیست چرا که کالاها در یک به هم پیوستگی گران می شوند و هیچ بازاری از آن بی تأثیر نمی ماند. زمانی که نرخ تسعیر بالا می رود، سرعت هجوم گرانی بیشتر می شود. به هر حال چون دولت روی قیمت های جهانی کنترل ندارد، نمی تواند بگوید که روی بازار داخل هم امکان نظارت وجود ندارد و من هر چه می کشم به خاطر فضای اقتصاد بین الملل است! یا این بهانه که نتوانستیم مداخله کنیم یا اینکه نگذاشتند مداخله کنیم، اتفاقاً مداخله کردند و بازار را بر هم ریختند. مگر ارز کمی به شرکت های خصولتی دادند؟ رئیس جمهور سابق گفته بود که یک نهاد ۹۴۷ میلیون دلار ارز گرفته و حساب پس نمی دهد! جدا از این در سال ۹۷ نرخ ارز را با ۴۲۰۰ تومان قیمت گذاری کردند، در حالی که نرخ آن در بازار ۷ هزار تومان بود. قرار بود از محل همین مابه التفاوت، نیاز داخل معیشت مردم تأمین شود اما چه اتفاقی افتاد، هیچ سال گذشته دیوان محاسبات اعلام کرد که ۴۸ میلیارد دلار از منجر به واردات نشده است. یا این احوال نمی توانند بگویند که حلقه ها تحت کنترل ما نیست. این استدلال ها فاجعه آمیز است.

**دولت فعلی مدعی یکپارچه سازی توزیع یارانه ها و حذف یارانه های پنهان است. حذف این یارانه ها باید چگونه انجام شود؟**

در ایران، چند یارانه برای خواص داریم و یک یارانه برای عوام. آن بی نواهی کم درآمدی که نان و تخم مرغ و شیر را به عنوان قوت غالبش می شناسد یا می شناخت، یا یارانه عوام دست و پنجه نرم می کند که این را با گرانی ها از او گرفته اند. خواص بانان و تخم مرغ کاری ندارند و گرانی اصلاً مسأله آنها نیست. مسأله آنها سود بنگاه های خصولتی، پاداش های میلیاردی و رانتی، وام ارزی، توزیع ارز گاز و برق است. باید متوجه زدودن این رانت باشد. در غیر این صورت فشار هزینه ها را متوجه درآمد های مردم خواهیم کرد.



**در ایران، چند یارانه برای خواص داریم و یک یارانه برای عوام. کم درآمدی که نان و تخم مرغ و شیر را به عنوان قوت غالب می شناسند با یارانه عوام دست و پنجه نرم می کند که با گرانی ها از او گرفتند. خواص بانان کاری ندارند و گرانی اصلاً مسأله آنها نیست**

اینها هیچ وقت حذف نمی شود در حالی که یارانه مرغ و تخم مرغ قابل حذف شدن است. اینکه می گویند نمی توانیم نظارت کنیم، پس یارانه تعدیل کننده قیمت ها را حذف کنیم، «سفسطه» است. در اینجا نه بحث عدالت و نه بحث اقتصاد آزاد مطرح است. همه دعوایها بر سر این است که چگونه پول را از جیب مردم خارج کنند. دولت ها اگر می خواهند صداقت داشته باشند، باید با یارانه خواص در بنگاه های خاص مقابله کنند، نه با یارانه فقرا. فقط سود ۲۰ بنگاه خصولتی برابر کسری بودجه امسال دولت است. بروند جلوی این را بگیرید که هم اش شده رانت. گرفتن مرغ و تخم مرغ از سفره مردم چاره جبران کسری بودجه نیست. جبران کسری بودجه، با انضباط و قطع رانت بنگاه های خصولتی ممکن می شود. البته اعتقاد دارم که این دولت هم بسند برجام را بدون تغییرات اساسی در متن سال ۲۰۱۵ امضا می کند تا بتواند کسری بودجه خود را کاهش دهد. اگر دولت بتواند سطح فروش نفت را به دوران انعقاد برجام برگرداند، با نرخ تسعیر ۲۳ هزار تومان حجم زیادی از کسری بودجه سال آینده خود را می پوشاند اما مهم این است که فشار اقتصادی بر مردم سنگینی نکند و متوجه رانت بنگاه های خصولتی و وابستگان آنها شود. در این زمینه باید مالیات این گونه بنگاه ها افزایش پیدا کند و منابع ارزان آنها که مشوق خام فروشی است، قطع شوند. همین امسال حداقل نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان رانت، نصیب این بنگاه ها می شود. این رانت ها خود عامل تشدید کسری بودجه و فشار بر معیشت مردم هستند. فشار اقتصادی باید متوجه زدودن این رانت باشد. در غیر این صورت فشار هزینه ها را متوجه درآمد های مردم خواهیم کرد.



مدیر کل امور بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی ادامه داد: به منظور جلوگیری از شیوع بیماری کرونا و تسریع و تسهیل در پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به بیمه شدگان که به واسطه ابتلا به بیماری کرونا استراحت پزشکی ارائه می کنند، در مواردی که در گواهی استراحت تجویزی توسط پزشک معالج، به صراحت به ابتلای بیمه شده به بیماری کرونا از جمله احتمال ابتلا به سویه امیکرون اشاره شده حداقل یکی از مستندات مربوط به اقدامات تشخیصی و درمانی انجام شده (از جمله مدارک بیمارستانی، نسخ دارویی، تست اسکن ریه و...) که توسط بیمه شده ارائه می شود، مؤید ابتلای فرد به بیماری مذکور باشد، پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به این قبیل بیمه شدگان بدون نیاز به ارائه تست، برای استراحت های سرپایی تا ۱۵ روز و استراحت های پزشکی متصل به ایام بستری تا سقف یک ماه بدون نیاز به مراجعه بیمه شده به مراجع معتمد پزشکی صورت می پذیرد.

**مسئول ذی ربط در سازمان تأمین اجتماعی: بیمه شدگان مبتلا به امیکرون، دستمزد ایام بیماری دریافت می کنند**

بیمه شده در این موارد چیست؟ اظهار کرد: به استناد ماده (۵۹) قانون تأمین اجتماعی، بیمه شدگانی که تحت معالجه یا در مان های توانبخشی قرار می گیرند و بنا به تشخیص سازمان تأمین اجتماعی موقتاً قادر به کار نیستند به شرط عدم اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق، استحقاق دریافت غرامت دستمزد را خواهند داشت. وی افزود: بنابراین پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به بیمه شدگان واجد شرایط، قانوناً مستلزم طرح استراحت پزشکی و تأیید آن در مراجع پزشکی معتمد سازمان است.

خبر